

بسم الله الرحمن الرحيم

زندگینامہ ی

شہید محمد سہری

شہید محمد سہری دانش آموز سال اول راہنمائی مدرسہ ی شہید حکیم و متولد سال ۱۳۴۹.

شہید از کوچکی بچہ ی خوب و با ادبی بود و ہمہ اورا دوست داشتند. بہ والدین احترام می گذاشت. از زمان آغاز

دوران ابتدائی تلہ سخم ابتدائی پنج وقت مردود نشد، ہمیشہ نمرات خوب می گرفت. آموزگار ان و مریمان مدرسہ از

ایشان راضی بودند. از کودکی ایشان نماز را یاد گرفته و نماز می خواند و حتی روزہ می گرفت. ایشان بعد از دورہ ابتدائی بہ

مدرسہ راہنمائی شہید حکیم رفت. در مدرسہ ہمہ از او راضی بودند. ایشان در مسجد امام حسن عسکری نماز می خواند و عضو

کتابخانہ بود.

اول انقلاب روزی کہ تانک ہا بہ مردم حملہ کردند ما در خیابان سیروس بودیم، تانکی بہ من و محمد حملہ کرد، من و محمد

داخل یک دکان رقتیم. من اورا بغل کر فتم، او بہ من گفت پدر چرامی ترسی، از پیش من بہ خیابان رفت. او

علاقہ ی شہیدی بہ انقلاب و امام خمینی (ره) داشت.

قبل از انقلاب بعد از تعمیر منزل، ایشان قسمتی از زرده‌ی آه‌نی پشت بام رازنگ می‌کرد و شرط می‌کرد من تا یک ساعت قبل از اذان مغرب دست از کار می‌کشم. او در مسجد حجاج علوان فعالیت شهیدی در کتابخانه داشت. قرآن یاد گرفته و می‌خواند.

اول جنگ عضو سیج پناه پاسداران لشکر قدس شیراز بود. از طرف مسجد چاه‌های لشکر قدس راه جهه با بردند. در سال ۱۳۶۱، در یک روز جمعه به اتفاق سرپرستان سپاه پاسداران و چند نفر از چاه‌های مسجد حجاج علوان با حکم سپاه پاسداران به جهه رفتند. در جهه ایشان بر اثر برخورد باتله‌ی انفجارین به شهادت رسید. محمداوضاع بدی شهید شد. ایشان دستش قطع و سنگش پاره می‌شود و در سن ۱۳ سالگی به شهادت می‌رسد.

روحش شاد و یادش گرامی باد

